

كثيرة لا تكاد تنقطع.

٥. أن للقاعدة شروطاً يجب إعمالها والنظر فيها عند الحكم بالغرور.

٦. اختلاف الفقهاء في تطبيق الغرور في بعض المسائل، نظراً للاختلاف في وجود بعض الشروط أو الموانع التي تمنع من الحكم بالتغريم.

٧. اتفاق فقهاء المذاهب الأربعة على ضمان الغار في مسائل الغرور الفعلي، إلا ما نقل عن الشافعية من خلاف في مسألة اجتماع المباشر والمتسبب، وأن المباشر للإتلاف مع الأولى بالضمان دون المتسبب.

٨. اتفاق فقهاء المذاهب الأربعة على وقوع التغريم بالقول إذا كان مبنياً على شرط أو تضمّن عقداً، واختلفوا فيه إذا تجرّد عن ذلك.

٩. أن الحنفية انفردوا بقولهم: إن الغرور لا يكون إلا في عقود المعاوضة دون بقية المذاهب الذين طردوه في جميع العقود، وغيرها من المسائل.

Bey
02-761
Kab2
110056

D3140



بيع الدين الثابت في

الدَّامَةُ قَبْلَ قَبْضِهِ

«دراسة فقهية تأصيلية تطبيقية»

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

02 Temmuz 2018

إعداد:

د. خالد بن مفلح بن عبد الله آل حامد*

* الأستاذ المساعد بقسم الفقه المقارن- المعهد العالي للقضاء، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.

قبض

در جلد اول همین کتاب گنجانده است.

منابع: *الشرائح العربیة*، سیداحمد حسینی، ۲۴۶/۴؛ *التدریج*، آقا بزرگ تهرانی، ۳۲/۱۷؛ *شرح قبضات*، محمد تقی دانش پژوه، *فصلنامه فلسفی*، ش ۱۵؛ *کتاب القبضات*، به کوشش مهدی محقق و؛ *مآخذ شناسی علوم عقلی*، محسن کدیور، ۲۲۵/۲؛ *مقدمه تحلیلی قبضات*، موجود در *کتاب القبضات*، سید علی موسوی؛ *مقدمه کتاب القبضات*، مهدی محقق. آزاده عباسی

قبض، اصطلاحی فقهی، مربوط به ابواب معاملات، به معنی دریافت و تحت سلطه آوردن؛ که نسبت به امور مختلف، متفاوت خواهد بود. فقیهان برای قبض، احکام شرعی ویژه‌ای برشمرده و آن را شرط صحت پاره‌ای از عقود و شرط لزوم برخی از عقود دانسته‌اند. با این حال، گفته شده که برای شناسایی مصادیق مختلف قبض، باید به عرف رجوع نمود.

قبض در بیع، عبارت است از استیلائی خریدار بر کالای فروخته شده به وسیله فروشنده، و استیلائی فروشنده بر بهای کالای مذکور. گفته شده که در اموال منقول، این انتقال و استیلا، امری حسی باید باشد و قبض با انتقال حسی نظیر به دست گرفتن تحقق، می‌یابد؛ اما در اموال غیر منقول، قبض عبارت است از خلع ید و بلا مانع قرار دادن مبیع، به نحوی که خریدار بتواند در آن مال تصرف کند. از جمله احکامی که برای قبض در بیع برشمرده شده این که: هرگاه پس از عقد بیع و قبل از قبض مشتری، کالای فروخته شده تلف شود، در صورتی که این تلف شدن مستند به عمل مشتری نباشد، از مال بایع محسوب خواهد شد و بیع مُتَفَسِّخ است؛ براین اساس باید بهای کالای فروخته شده، به مشتری مُسْتَرَدّ گردد. اما اگر تلف مال مذکور قبل از قبض مشتری، با عملی باشد که از سوی مشتری سرزده، همین عمل به منزله قبض تلقی شده و بنابراین تلف مال برعهده مشتری خواهد بود؛ در چنین فرضی معامله صحیح بوده و نباید آن را مُتَفَسِّخ دانست.

قبض در اجاره، در عقد اجاره، که موضوع آن منفعت عین است، قبض منفعت در صورتی تحقق خواهد داشت که عین مُسْتَأْجَره در اختیار مستأجر قرار گیرد. براین اساس، تا زمانی که عین مستأجره در اختیار مستأجر قرار نگیرد، موجر، حق دریافت مال الاجاره را نخواهد داشت.

عقد قرض، برخی از فقها برآنند که به مجرد اجرای صیغه قرض، برای وام گیرنده ملکیت حاصل نخواهد شد؛ بلکه علاوه بر اجرای صیغه، لازم است قبض هم تحقق یابد.

برهانی است (قبضات، ۱).

میرداماد ده قیس را در این موضوعات نگاشته است: در ذکر انواع حدوث و تقسیم وجود بر حسب آن؛ انواع سه گانه سبب ذاتی و استوار ساختن برهان از طریق تقدم بالذات؛ در ذکر دو نوع تأخر انفکاک و استوار ساختن برهان از طریق تقدم سرمدی؛ بیان شواهدی از قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و احادیث اوصیای والا و پاک (ع)؛ در نحوه وجود طبایع مُرْسَله و طریق برهان از نحو وجود طبیعت؛ در اتصال زمان و حرکت؛ بیان برخی شکوک و اعتراضاتی که جنبه مُشَاعَبَه (=ستیزه جوئی) دارد؛ در تحقیق قدرت و اراده خداوند سبحان؛ در اثبات جواهر عقلیه و ترتیب نظام عالم وجود؛ در بحث از قضا و قدر و چگونگی مداخلت شرور در قضای الهی و حقیقت دعا و اجابت آن و اینکه برگشت همه امور در آغاز و انجام به خدا است.

میرداماد در تألیف کتاب بیش از همه به ابن سینا و آثار وی توجه داشته و پس از او به خواجه نصیرالدین طوسی و شرح اشارات و *أجوبة الاسئلة الثموتیه* و شرح رساله *مسأله العلم و نقد المحصل* ارجاع می‌دهد. نیز وی به اقوال شیخ اشراق و ابوالبرکات بغدادی در *المعتبر بهمینار در التحصیل* و فخر رازی در *شرح عیون الحکمه* و... اشاره می‌کند. وی به نقل و نقد آراء فیلسوفان یونانی در مورد حدوث عالم می‌پردازد. میرداماد به کتاب *تولوجیا (=الهیات)* منسوب به ارسطو استناد می‌کند.

تسروح و حواشی قبضات: کتاب قبضات در ۱۳۱۴ق در تهران چاپ سنگی شده است. در ۱۳۶۷ش به کوشش مهدی محقق، سیدعلی موسوی بهبهانی، ایزوتسو و ابراهیم دیباجی، از طرف انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده و در ۱۳۷۴ش با اضافاتی به چاپ دوم رسیده است. در ابتدای کتاب سیزده مقاله درباره میرداماد آمده که دو مقاله از آنها به طور خاص در باب کتاب قبضات است. کتاب دارای مؤخره انگلیسی از توشیهیکو ایزوتسو درباره فلسفه میرداماد است.

یکی از شاگردان میرداماد به نام سیداحمد علوی در زمان حیات وی به شرح و ایضاح الفاظ و تعبیرات مشکل و غریب کتاب پرداخته و حاشیه‌ای بر آن نوشته است. نسخه‌ای از حاشیه علوی در کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ۳۰۸۹۳۵/۴۵۸۸ موجود است. یکی از شاگردان ملاصدرا به نام محمد بن علی رضا بن آقاجانی نیز شرحی بر کتاب نوشته است. سیدجلال الدین آشتیانی این شرح را در جلد دوم کتاب خود با عنوان *منتخبات از آثار حکمای الهی ایران* آورده است. نیز آشتیانی گزیده‌هایی از قبضات را

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOK.

29 Haziran 2018

دایرة المعارف تشیع؛ جلد سیزدهم؛ تهران؛ مؤسسه انتشارات حکمت؛ ۱۳۹۰ ISAM DN. 257997

Kabj-110056
Rehin-170275
Zarar-230063
Damar-040073



جامعة الأزهر

كلية الشريعة والقانون بطنطا

قبض الرهن

وأثره فى تضمين المرتهن

دراسة فقهية مقارنة

دكتور

خالد أحمد شبكه

مدرس الفقه المقارن

بكلية الشريعة والقانون بطنطا

1765-830

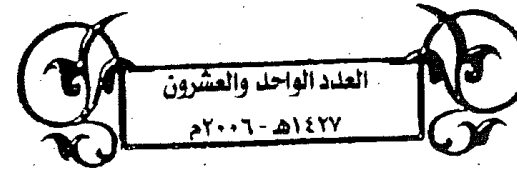
مجلة

كلية الشريعة والقانون

بطنطا

D3900

مجلة علمية محكمة



الجزء الثانى

18 OCAK 1999

٦٨٣ ث الشيبتي ، سعود بن مسعد بن مساعد

٦٨٣٢ القبض : تعريفه ، اقسامه ، صورته واحكامها /

اعداد سعود بن مسعد الشيبتي . - ط ١ . - مكة المكرمة : (110056)

المكتبة المكية ؛ بيروت : دار ابن حزم ، ١٤١٥ هـ ،

١٩٩٥ م .

٧٨ ص ٢٠٤ سم

١ . القبض (فقه اسلامي) ٢ . البيع (فقه

اسلامي) . أ . العنوان

الحياة في العقود

في الفقه الإسلامي

تأليف

الدكتور زبير حماد
الأستاذ المساعد بجامعة الملك عبدالعزيز
بمكتبة المكرمة

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No	38976
Tasnif No	297.5/2 HAM. H

مكتبة مركز الأبحاث
ص. ب. ٢٨٥٤ - الرياض

١٩٧٨-١٣٩٨

Kabız (37 vol.)

13. SUBAT 1996

الباب الأول

طبيعة القبض وشروط صحته

والنسيابة فيه

وقد جاء في م (٢١٢) من « مرشد الحيران » : « العقد الفاسد هو ما كان مشروعاً باطله لا بوصفه . أي انه يكون صحيحاً باعتبار أصله لا خلل في ركنه ولا في محله ، فاسداً باعتبار بعض أو صافه الخارجة ، بأن يكون العقود عليه أو بدله مجهولاً جهالة فاحشة ، أو يكون العقد خالياً عن الفائدة . أو يكون مقروناً بشرط من الشرائط الموجبة لفساد العقد . والعقد الفاسد لا يفيد الملك في العقود عليه الا بقضه برضا صاحبه » .

وفي م (٢١٣) منه : « العقد الباطل هو ما ليس مشروعاً لا أصلاً ولا وصفاً . أي ما كان في ركنه أو في محله خلل بأن كان الإيجاب والقبول صادرين ممن ليس أهلاً للعقد ، أو كان المحل غير قابل لحكم العقد ، وهو لا ينعتق أصلاً ، ولا يفيد الملك في الأعيان المالية ولو بالقبض » .

وفيه فصلان :

الأول : في كَيْفِيَّتِهِ

والمُحَكَّمُ فيه العرفُ ، فقبْضُ العقارِ بالتخليةِ والمنقولِ بالنقلِ^(١) على الأظهرِ إلى حَتِيْزٍ لا يختصُّ بالبائع ، فإنَّ اختصَّ فبإذنيه ليكونَ إعارَةً ، مع التقديرِ [أَيْضاً^(٢)] إنَّ بيعَ مقدراً ؛ لأنَّه (عليه السلام) : « نَهَى عَن بَيْعِ الطَّعَامِ حَتَّى يَجْرَى فِيهِ الصَّاعَانُ صَاعٌ لِلْبَائِعِ وَصَاعٌ لِلْمَشْتَرِيِّ^(٣) » . ومجرّدُ التخليةِ في المنقولِ ، أو النقلُ في المقدَّرِ ينقلُ ضمانَ العقدِ ، ولا يجوزُ التصرفُ ، ويستبدُّ به المشتري إنَّ أجَلَ ، أو وَقَرَ الثَّمَنَ ، وإلَّا فللبائعِ الحبسُ إنَّ خَافَ فَوَاتَهُ ، وإنَّ أمينَ أُجبرَ بالتسليمِ أولاً على أصحِّ الأقوالِ ؛ لأنَّ حَقَّهُ مستقرٌّ مهياً لتصرفه فليقرِّرَ حقَّ المشتري وليسلطه^(٤) عليه . وعند الإمامين يبدأُ بالمشتري ؛ لأنَّ حَقَّهُ معيَّنٌ فليعيَّنَ حقَّ البائعِ^(٥) . فلو بادَرَ البائعُ أُجبرَ المشتري بالقبولِ

(١) في - د - ت - ن - ط (التخلية . . النقل) أي بدون الباء .

(٢) الزيادة من - د .

(٣) حديث : « نَهَى عَن بَيْعِ . . . رواه ابن ماجه ، والدارقطني والبيهقي في سنينهما وابن أبي شيبة وابن راهويه والزراري في مسانيدهم ، لكنه أعل الحديث بآين أبي ليلى .

انظر : سنن ابن ماجه (٢ / ٧٥٠) والدارقطني (٢ / ٢٩٢) ونصب الراية (٤ / ٣٤) .

(٤) في - د - ت (وليسلط) .

(٥) اختلف الفقهاء في هذه المسألة فقال أبو حنيفة وأصحابه ومالك ، يجبر المشتري على تسليم الثمن هذا إذا كان بيع السلعة بثمن أما إذا باع سلعة بسلعة ، أو ثمناً بثمن فيجب عليهما معاً تسليم لباستوائهما في التعيين .

وفي المذهب الشافعي أربعة أقوال :

١ - يجبر الحاكم البائع لرضاه بتعلق حقه بالذمة وعلى هذا أحمد في أحد قوليه .

٢ - يجبر المشتري ، لأن حقه لتعلقه بالعين لا يفوت .

٣ - لا يجبر واحداً منهما لكن تمتعها من التخاصم .

٤ - يجبرهما بإحضار ما عليه فإذا أحضراه سلم الثمن إلى البائع ، والمبيع إلى المشتري يبدأ بأيهما شاء ، أو يأمرهما بالوضع عند عدل ليفعل العدل ذلك . وعلى هذا أحمد في قوله الثاني والثوري . قال النووي : فإن كان الثمن معيناً سقط القولان الأولان وأجبرا على الأظهر كما إذا باعه عرضاً بعرض . =

4. Babun

2-24

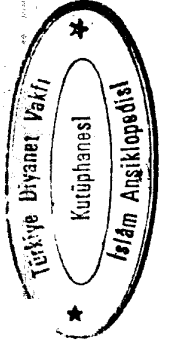
DIA Terorisme 56 Kabz FKH

الغايَةُ القَضَوِيَّةُ فِي رَأْيِ الفَيْتَوِيِّ

تأليف : قاضي القضاة عبد الله بن عمر البضاوي
المتوفى (٦٨٥ هـ)

دراسة وتحقيق وتعليق

على محيي الدين علي القسري داغلي



Muhür Bey

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No :	5283
Tasnif No. :	297.51 REV. G

الجزء الأول

سَاعَدَتُ اللِّجَةَ الوَطَنِيَّةُ لِاحْتِفَالِ بِمَطْعِ القَرْنِ
الخامس عشر الهجري والجمهورية العراقية على طبعه

in the Law of Companies in line with a number of countries which have preceded us in this field.

* Specialized consulting centres should be licensed in the field of endowments and their missions facilitated in order to contribute in the development and protection of endowments and provide relevant studies and research.

All praise belongs to Allah by whose blesses good things are made perfect.

23 Mayıs 2015

MADE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN



D3140

Kabz-110056

A Refereed Study

Juristic Categorisation of *Taqaabudh* (Taking Possession) in Contemporary Banking Transactions

Dr. Hishaam ibn Abdul-Malik Aal Ash-Sheikh*

* Assistant Professor at the Department of Comparative Jurisprudence, the Higher Judicial Institute, Imam Muhammad ibn Saudi Islamic University, Riyadh, Saudi Arabia.

231855

Humor in der arabischen Kultur Humor in Arabic Culture

Herausgegeben von / Edited by
Georges Tamer

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphane	
Dem. No:	231855
Tas. No:	892.7 HUM.A

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

22 Mayıs 2015

22 Mayıs 2015

2009

Walter de Gruyter · Berlin · New York

Kabz-
110056

Qabd (Beklommenheit) und bast (Gelöstheit) als Grundeinstellungen islamischer Mystik

von
Bernd Radtke

Als ich die Einladung zu diesem Symposium erhielt, fiel mir zuerst – selbstverständlich, wie könnte es anders sein – nur Unsinn ein: Das ist nämlich ein Gedicht von Christian Morgenstern, überschrieben:

Schicksal:
Die Wolke Zickzackzunge spricht
Ich bringe Dir, mein Hammel Licht.

Der Hammel, der im Stalle stand,
Ward links und hinten schwarz gebrannt.

Sein Leben grübelt er seitdem:
Warum ihm dies geschah von wem.¹

Von wem mir diese Einladung ward, das weiß ich ja, warum, nun, darüber grübele ich besser nicht weiter.

Aber, um doch etwas weiterzugehen: Was mache ich mit diesem, dem damit verbundenen Wunsch, eine Rede zu halten über Humor in der arabischen Kultur, zumal in der islamischen Mystik? Denn, wie ich zu sagen pflege, denke ich an die arabische Welt, so vergehen mir im Allgemeinen der Humor und das Lachen. Das möchte jedoch fürs Allgemeine nicht stimmen, wie wir noch sehen werden – wie ja auch vorauszusehen.

Was nun aber die islamische Mystik angeht, so fiel mir spontan nichts ein, nichts, was mit Humor und Lachen auch nur entfernt in Verbindung gebracht werden könnte. Denn das ist eine finstere Welt, eine düstere Welt, eine Welt des Weinens, in der man seine Augen verflucht, dass sie keine Tränen mehr hergeben,² und Lachen verflucht wird. Freude an der Welt ist verboten, allein Freude an Gott ist befoh-

1 Christian Morgenstern, *Gesammelte Werke* (München 1989), S. 289.

2 Ibn Abī d-Dunyā, *ar-Riqqa wa-l-bukā*, Ed. Muḥammad Ḥayr Ramaḍān Yūsuf (Beirut 1996), S. 149ff.

49-56

110056

KABZ

-
- ¹ MUSTAFA KİSBET, İslam Hukukuna göre satım akdinde malın kabz ve teslimi, Uludağ Üniversitesi, Doktora, 2010

MADDE YAYIMLANDIKTAN
ONRA GELEN DOKÜMAN

20 Eylül 2014

- 104 IVÁNYI, Tamás. On two *şūfī* terms: *qahḩ* and *baṣṩ*. Al-Biṣṩāmī's ascension and his refutation of the delights of paradise. *Proceedings of the colloquium on paradise and hell in Islam, Keszthely, 7-14 July 2002. Part two*. Ed. K.Dévényi, A.Fodor. Budapest: Eötvös Loránd University Chair for Arabic Studies & Csoma de Kőrös Society Section of Islamic Studies, 2012, (The Arabist: Budapest Studies in Arabic, 30), pp: 67-83. + colour plate VIII. Abū Yazīd al-Biṣṩāmī, 9th c.

Kabir
110086
Bayezid Bir
020406

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام
على سيدنا محمد خاتم النبيين وعلى آله وصحبه أجمعين

قرار رقم: ٥٣ (٦/٤)

بشأن

القبض: صورته وبخاصة المستجدة منها وأحكامها

Kabz -
(110056)

إن مجلس مجمع الفقه الإسلامي الدولي المنعقد في دورة مؤتمره
السادس بجدة في المملكة العربية السعودية من ١٧ - ٢٣ شعبان
١٤١٠، الموافق ١٤ - ٢٠ آذار (مارس) ١٩٩٠م.

بعد اطلاعه على البحوث الواردة إلى المجمع بخصوص موضوع:
«القبض: صورته، وبخاصة المستجدة منها، وأحكامها»،

واستماعه للمناقشات التي دارت حوله،

قرر ما يلي:

أولاً: قبض الأموال كما يكون حسيّاً في حالة الأخذ باليد، أو الكيل أو
الوزن في الطعام، أو النقل والتحويل إلى حوزة القابض، يتحقق
اعتباراً وحكماً بالتخلية مع التمكين من التصرف ولو لم يوجد
القبض حسيّاً. وتختلف كيفية قبض الأشياء بحسب حالها واختلاف
الأعراف فيما يكون قبضاً لها.

ثانياً: إن من صورة القبض الحكمي المعتمدة شرعاً وعرفاً:

١ - القيد المصرفي لمبلغ من المال في حساب العميل في
الحالات التالية:



قَرَارَاتٌ وَتَوْصِيَّاتٌ مَجْمَعِ الْفِقْهِ الْإِسْلَامِيِّ الدَّوْلِيِّ

الْمُنْبَثِقُ عَنْ مُنَظَّمَةِ التَّعَاوُنِ الْإِسْلَامِيِّ

لِلدَّوَرَاتِ : ٢ - ١٩

الْقَرَارَاتِ : ١ - ١٨٥

١٤٠٦ - ١٤٣٢ هـ = ١٩٨٥ - ٢٠١١ م

طُبِعَ عَلَى نَقَقَةٍ

الْأَمَانَةُ الْعَامَّةُ لِلْأَوْقَاتِ بِالسَّارِقَةِ

الإِمَارَاتُ الْعَرَبِيَّةُ الْمُتَّحِدَةُ

www.awqafshj.ae

رَاجِعَةٌ وَأَعَدَّتْهُ التَّعْرِيفِيَّةُ

د. أَحْمَدُ عَبْدِ الْعَالِمِ أَبُو عَالِيَةَ

مُدِيرُ إِدَارَةِ الدِّرَاسَاتِ وَالْبَحْثِ بِأَمَانَةِ الْجَمْعِ

سَبْعُ سَوَاعِدٍ

لِعَسَلِ الْأَوْقَاتِ

130627

التقاضي في الفقهاء الإسلاميين

وأثره على البيوع المعاصرة

بطاقات الائتمان - البورصة - الشيكات والشيكات السياحية
الاعتمادات - الحوالات - الشهر العقاري - التجارة الإلكترونية

تأليف

علاء الدين بن عبد الرزوق الطنوكي

إشراف الأستاذ الدكتور

مصطفى ديب البغا

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	130627
Tas. No:	297.542 CAN.T


دار النفائس
للنشر والتوزيع - الأردن

حقوق الطبع محفوظة

١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٤ م

الطبعة الأولى



دار النفائس

للنشر والتوزيع - الأردن

العبدلي مقابل عمارة جوهرة القدس

ص.ب: ٩٢٧٥١١ - عمان ١١١٩٠ الأردن

هاتف: ٥٦٩٣٩٤٠ ، فاكس: ٥٦٩٣٩٤١

بريد الكتروني: ALNAFAES@HOTMAIL.COM

irade Beyanı
~~Kabz~~
Hibe



ACCEPTANCE (*QABŪL*) AND TAKING POSSESSION (*QABD*) OF *HIBAH* UNDER ISLAMIC LAW AND THE DECISION OF THE SYARIAH COURTS IN MALAYSIA¹

*Badruddin Hj Ibrahim*²

ABSTRACT

One of the important components in the creation of contract in Islamic law, apart from the contracting parties ('āqidān) and subject matter of contract (maḥal al-'aqd), is formation (ṣīghah). It consists of two essential elements i.e. offer (ījāb) and acceptance (qabūl). The absence of formation will render the contract invalid and imperfect. Nevertheless, in the case of hibah as it is a kind of contract of charity (tabarru'), the issue arises as to whether the element of acceptance is required in order to constitute a valid hibah. Added to this is the issue of whether hibah is completed and ownership of property transferred to the recipient as is the case with other types of contract when all of the above three components of

22 HAZ 2010

MADDE YAYINDA ANKARA
SOLUK

¹ This paper was originally presented at International Seminar on Comparative Law 2008, organized by Islamic Science University of Malaysia, Putra Jaya, Malaysia, 18-19 November 2008. It was funded by Research Management Centre, International Islamic University Malaysia.

² Assistant Professor, Ahmad Ibrahim Kulliyah of Laws, International Islamic University Malaysia.

L'ÉTUDE DES SUCCESSIONS À TRAVERS DIVERS TYPES D'ACTES JURIDIQUES

(*muqāsama*, *ibrā dimma*, *qabd*)

Le cas de la famille Bakrī Şiddīqī à Damas au XVIII^e siècle



S ————— INTRODUCTION

Si les inventaires après décès constituent la source la plus souvent utilisée pour l'étude des héritages, il en est d'autres, moins fréquentes mais tout aussi intéressantes, qui permettent également d'appréhender les successions des défunts, à travers le partage (*muqāsama*) de certains biens, les déclarations de quittance (*ibrā dimma*) vis-à-vis des autres héritiers, ou la perception (*qabd*) par un ayant droit de la part d'héritage qui lui est due.

Il sera ici question de quelques documents de ce type concernant des personnages appartenant à une importante famille damascène, la famille Bakrī Şiddīqī¹. Ces documents présentent un aspect particulier des successions de ces personnages ; les autres biens qu'ils possédaient (vaisselle, ustensiles de cuisine, vêtements, ameublement, bijoux, livres, dettes, créances, etc.) ont dû faire l'objet d'un inventaire après leur décès. Deux de ces documents présentent un intérêt incontestable en raison des précisions qu'ils apportent et des individus qu'ils concernent, Aḥmad b. Kamāl al-Dīn al-Bakrī al-Şiddīqī (1042-1116/1632-1704) et son fils As'ad b. Aḥmad al-Bakrī al-Şiddīqī (1063-1128/1653-1716). Le fils de ce dernier, Muḥammad Sa'dī b. As'ad al-Bakrī al-Şiddīqī (m. avant 18 *dū*

Brigitte Marino est pensionnaire à l'Institut français d'Études arabes de Damas, BP 344, Damas, Syrie.

¹ Les membres de cette famille sont, selon les sources ou les époques, désignés par le nom al-Bakrī et/ou al-Şiddīqī.

Turcica, 32, 2000, pp. 145-167

11 ARALIK 2000

MADDE YATIRILMISHTAN
SONRA GELEN OKUMAN

0.124

القبض فى العقود المالية

فى

الفقه الحنفى

الدكتور محمد زكى عبد البر

الاستاذ بالجامعات العربية

ونائب رئيس محكمة النقض

(سابقاً)

تصدير

حيازة المال هى المظهر العملى لتملكه ، والممكن من الافادة منه باستعماله واستغلاله والتصرف فيه ، اذ بها يصبح المال مقدور التسليم ، وهو من شروط انعقاد التصرف الناقل للملك فى الفقه الاسلامى . فالملكية دون الحيازة ملكية نظرية لاتحقق من الناحية الواقعية ثمارها من استعمال الشئ واستغلاله والتصرف فيه .

وقد اهتم القانون بها ، فجعلها فى المنقول سند الملكية . وجعلها - اذا استمرت مدة معينة بشروط معينة - سببا من اسباب الملكية . وجعل القبض فى بعض العقود ركنا لانعقادها ، ولذلك سميت هذه العقود بالعقود العينية . وجعله فى بعض العقود أثرا من آثارها وشرط حكم من أحكامها - كل ذلك فى حدود محددة معروفة .

وفى الفقه الاسلامى نالت الحيازة مثل هذه الأهمية . فهى فيه سبب من اسباب تملك المباح ، والمظهر العملى للملك ، والوسيلة الواقعية لاستعماله واستغلاله والتصرف فيه .

الا أن هناك نوعا من الحيازة يأخذ فى الفقه الاسلامى أهمية أكبر مما يأخذه فى القانون . ذلك هو « القبض » . ففى مجال العقود

10 EKIM 1995

Mecmuatül- Üstaz ed-Doktor
Abdürrezzak Ahmed es-Senhuri
ihyau li-Zikrah bi-Münasebeti
Mururu Erbaïne Amen ala
Suduri't- Taknini'l- Medeni el-Misri.
Kahire - Tarihsiz, s. 359-427.

DN134112.

[Mecelle tu'l-Karun ve'l-İktisad:aded Has]



فاطمة عباس عبدالرحمن مها أحمد علام, دليل الرسائل الماجستير و
الدكتوراه التي نوقشت في كلية دار العلوم منذ عام 1985 و حتى نهاية
فبراير 1997, القاهرة 1418 - 1999: (جامعة القاهرة) . ISAM KTP 88569

08 TEMMUZ 2005

[٦٢١] تزیه کمال حماد
أحكام القبض في العقود في الفقه الإسلامي؛ إشراف محمد زكريا
البرديسي، ١٩٧٣، - ٢١٥ ورقة، - دكتوراه

٦٩.

MADDE YATIRILAN BÜYÜKLER
REHBERİ GİTİ EN İZİNİMLER

Kab2 (110056)

19 EVIDENCE

پارسا، لیلی

۷۱۵۷۱- احکام مقبوض به عقد فاسد

در فقه و حقوق اسلامی، مقطع کارشناسی

ارشد، دانشگاه: آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی،

دانشکده الهیات، فلسفه و معارف اسلامی، ۱۷۱ص،

فارسی، استاد راهنما: سید محمد موسوی بجنوردی؛

استاد مشاور: مجید وزیری، تاریخ دفاع: ۱۷۱.

کد پارسا: P۲۱۸۴۴

ضمین در عقد فاسد؛ قواعد فقهی

بر اساس این نوشتار، مفهوم اصلی قانون مقبوض

به عقد فاسد درباره قراردادی که ضمانت شود کاربرد

دارد و ضمان به نسبی نامیده می‌شود. در قرارداد فاسد

نیز ضمانت لازم است. برخی از فقها مقبوض به عقد فاسد را از صغریات 'کل ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده' و 'کل ما یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده' می‌دانند و برای اثبات مدعای خود دلایلی نیز اقامه می‌کنند ولی عده‌ای دیگر از فقها من جمله بجنوردی این مطلب را نمی‌پذیرند و عمده دلیل ضمانت ید قابض را قاعده 'علی الید ما اخذت حتی تؤدیه' می‌دانند. نویسنده سعی دارد با استفاده از بیانات فقها روشن کند که آیا مقبوض به عقد فاسد، مورد ضمان است یا نیست. وی در ادامه با تذکر این نکته که باید در این موضع بین منافع مستوفاه و غیر مستوفاه تفصیل داد، مطالبی را در باب ملاک مثلی یا قیمی بودن کالا بیان می‌کند. از موضوعات مهم این تحقیق است: تعریف عقد صحیح و فاسد، ضمان، معنای قاعده 'ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده'، موارد تطبیق قاعده در اعیان، طرق ابراء ذمه و مستندات فقهی و حقوقی حیلوله.

23 EYLÜL 2008

درستی، علی

۷۱۶۸۱- تحلیل فقهی - حقوقی قبض

در معاملات، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده الهیات، فلسفه و معارف اسلامی، ۲۶۰ص، فارسی، استاد راهنما: عبدالعلی توجهی؛ استاد مشاور: حمید کاویانی، تاریخ دفاع: ۱۳۸۲.

کد پارسا: P۲۱۸۶۶

کتاب (۱۱۵۵۵۶)

قبض در معاملات: قبض در معاملات (حقوق)

۱ بررسی انواع قبض در معاملات و تشابه و تفاوت آنها و نیز مقایسه آراء فقها و حقوقدانان در این زمینه و تطبیق آن با قانون مدنی ایران است. نویسنده ابتدا به بررسی مفهوم قبض و اقباض در کتب فقهی و قانون اساسی ایران پرداخته و سپس جایگاه قبض و تأثیر آن را در معاملات تملیکی و غیر تملیکی مانند هبه و وقف بررسی کرده است. وی کیفیت قبض و اقباض در معاملات تملیکی را نیز توضیح می‌دهد. وی در ادامه با تجزیه و تحلیل قانون قبض و اقباض و مقایسه آن با فقه و منابع روایی، خلأهای قانونی در مسئله قبض را که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، پیش‌بینی نشده است، بر می‌شمارد. مقایسه قبض با مفاهیم مشابه و تبیین کیفیت آن، انواع قبض و احکام آن، قبض و تسلیم، جایگاه قبض در عقود اکتسابی، احکام مربوط به قبض مبیع، اثر اذن در قبض مبیع، قبض در عقد بیع و اشتراط آن در بیع عینی، قبض در عقد رهن، کیفیت قبض در منفعت (اجاره) و قبض در اجاره اشخاص از مهم‌ترین موضوعات مطرح در این تحقیق اند.

YATIRILAN
KİTAPIN
DOKÜMANI

طباطبایی، سیدمحمد صادق

۴۰۶۵- آثار قبض در عقد بیع از

دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران، مقطع

دکتری، دانشگاه: تهران، دانشکده الهیات، ۲۶۰ص،

فارسی، منابع: ۲۵۲-۲۶۰ و به صورت زیرنویس، استاد

راهنما: احمد باقری؛ صدیقه و سمدی؛ استاد مشاور:

علی علی‌آبادی.

Kab2

کد پارسا: P۱۳۴۶۶

قبض و تسلیم مبیع

مقایسه‌ای بین فقه امامیه و حقوق ایران

درباره منشأ آثار حقوقی عنصر قبض و اقباض در

عقد بیع و آثار آن است. نگارنده سعی دارد با

رویکردی تطبیقی، حصول مالکیت تام در عقد بیع را

که بستگی به قبض و اقباض مورد معامله در فقه

امامیه دارد با اصول موضوعه حقوق ایران مقایسه کند.

وی پس از مطالعه فقه امامیه و قوانین حقوقی ایران

درباره موضوع مذکور، به این نتیجه می‌رسد که از نظر

فقها و حقوقدانان مهم‌ترین اثر قبض در عقد بیع،

انتقال ضمان معاوضی از بیاع به مشتری است و

اهمیت این اثر تا آنجا است که یکی از قواعد فقه

(قاعده تلف مبیع قبل از قبض) بدان اختصاص یافته

است. فقها و حقوقدانان هر دو بر این اصل مهم صحه

گذاشته‌اند ولی در تحلیل مبنای آن با یکدیگر هم

عقیده نیستند. بررسی مبنای قبض و اقباض و شرایط

01 EYLÜL 2008

آنها، زمان و مکان قبض و نحوه قبض در بیع صرف و

بیع سلف از دیگر مباحث این رساله است.

23 Eylül 2008

حسینی اصفهانی، سید مرتضی
(۱۳۳۴ -)

۸۷۶۶- نقدی بر قبض و بسط تئوریک

شریعت، قم: فرهنگ قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۲ /
۲۵۰۰ نسخه، ۲۷۹ص، فارسی، رقعی (شمیز)، بها:
۱۲۰۰۰ ریال، فهارس: اعلام، منابع: ۲۷۹.

کنگره: BD۵۷۳/S۴GH۲۰۸۲۷

دیوبی: ۲۰۰/۱ Kabz (110056)

کد پارسا: B۶۶۸۴۲

نظریه قبض و بسط؛ نقد دیدگاه‌های سروش
(تاریخ و جغرافی)

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط تئوریک

شریعت در باب فهم دین است. بر اساس نظریه قبض و بسط، فهم انسانها از نصوص دینی و مفاهیم دین، تابع دانشها و پیش فرضهایی است که در ذهن دارند و بر این اساس فهمها مختلف است و به مرور زمان به تکامل می‌رسد. دکتر سروش می‌گوید که فهم هیچ‌کس از دین مقدس نیست؛ چرا که فهمها عین حقیقت دین نیست. نویسنده بر این دیدگاه ۱۶۰ ایراد گرفته و به تفصیل این نظریه را نقد کرده است. از جمله اینکه ایده مذکور جایگاه علما و فقهای اسلام را تضعیف کرده و در حقیقت هدف از این تئوری نابود کردن قدرت علماست. به نظر نویسنده، دکتر سروش در مقدمات و نتیجه‌گیریها بسیار مرتکب تناقض شده و در مواردی خلط بین مفهوم و مصداق کرده و نتیجه ناصحیح گرفته است. به نظر وی تئوری عصری بودن دین و تکامل و معرفت دینی و سیال بودن فهم دین، منجر به تحریف و نابودی دین خواهد شد. وی ایرادهای خود را با استناد به آیات قرآن بیان کرده است.

110094 Kab (FKH)
110056 Kab (TSU) 325

The Kabards arrived in their habitat in the 13th century from their original homeland further to the west, after the Alans had been weakened by Mongol invasions, and after the collapse of the Golden Horde they began to play a leading role in the history of the Caucasus. In the 16th century Kabard princes maintained friendly relations with the rulers of Moscow. The second wife of Ivan IV was a Kabard princess, Marie, daughter of Temrük. In the 17th century the Kabards led the coalition of Caucasian peoples against the Kalmuks. Because of the dominating role they played in the Central Caucasus and their location near the Daryal pass, they were the first to come under Russian control in the 19th century, accepting it without any strong resistance. At the time of the Russian conquest a number of Kabards settled between the upper Kuban and the Zelenchuk and were called Fugitive Kabards. After 1864, some Kabards, mostly of the fugitive group, emigrated into the Ottoman Empire.

Sunni Islam of the Hanafi *madhhab* was introduced in the second half of the 16th century by the Crimean Tatars, in competition with Christianity. They were completely islamized by the end of the 17th century.

The traditional Kabard economy consisted of horse-breeding, agriculture, horticulture, apiculture and home industry. Traditional Kabard society had a complex structure which consisted of eleven classes grouped in two main divisions: the noblemen, or the free group, and the *pskhals*, or the non-free group. At the head of society were the princes (*pshe*), among whom the *wali* was the chief of the Kabard people. They were followed by the nobles (*uork*, or *uorkkh*). These in turn were subdivided into four classes according to the rights and obligations which bound them to the princes. The nobles were followed by the free peasants (*tfokholl*). The non-free group consisted of the *azat* (freed peasants who were bound by some servitude to their former masters); *og* (serfs); *loganaput* (between *og* and slaves); *unaut* (slaves).

In the 19th century attempts were made by K. Atazukin to create a literary language, and in 1865 he published a Kabard alphabet based on the Cyrillic script. However, Kabard did not attain the status of a literary language until 1924. The speech of the Great Kabarda was used as the basis of the literary language, and this language is used officially in the Kabardo-Balkar A.S.S.R. and the Karačay-Čerkes A.R. The first newspaper in the Kabard language was published in 1924 under the title *Kara Khalk*. According to the *Letopis' periodicheskikh izdanij S.S.S.R.* there were in 1960 two Kabard newspapers and two magazines.

The Kabards were first organized into the Kabard Autonomous Region on 1 September 1921. On 16 January 1922 they were joined with the national district of Balkar, which on 5 December 1936 became the Kabardo-Balkar Autonomous Region. In 1944 the Kabard Autonomous Soviet Socialist Republic was announced, which further changed into the Kabardo-Balkar Autonomous Soviet Socialist Republic on 9 February 1957. The territory of the Republic occupies 12,400 sq. km. In 1959 there were 420,115 people in the A.S.S.R. Of these 45 % were Kabards, 8.1 % were Balkars, 38.7 % Russians, and the rest other groups of Caucasians.

Bibliography: B. Geiger, T. Halasi-Kun, A. Kuipers and K. Menges, *Peoples and languages of the Caucasus*, The Hague 1958; *Istoriya Kabardino-Balkarskoy A.S.S.R.*, Moscow 1967; *Kabardiskaya A.S.S.R.*, Nalchik 1946; B. Kaludkov, *Oferki revolutsionnogo dvizheniya v Kabarde,*

Nalchik 1946; A. Kuipers, *Introduction to Morpheme and phoneme in Kabardian*, The Hague 1960; Sh. B. Nogmov, *Istoriya Adigeyskogo Naroda Sostavlenaya po predaniyam Kabardintsev*, 5th ed., Nalchik 1952; *Sbornik Slaty po Istorii Kabardy*, 1-2, Nalchik 1957; see also BESKEK-ABAZA, ČERKES, and AL-KABK. (HÜLYA SALIHOĞLU)

AL-KABBĀB, ABŪ MUḤAMMAD-‘ADD-ALLĀH b. HUSAYN AL-TANGRŪTĪ AL-DAR‘Ī AL-RAKĪ (from al-Rakka [q.v.], his native town), a very famous Moroccan saint. Born in the *zawiya* of Sayyid al-Nās as it was called (from the name of the Prophet), the founder of which was Abū Ishāk al-Anšārī, known under the name of Sayyidī Ibrāhīm al-Ḥādīdjī, he grew up there in prayer and asceticism. Accompanied by the son of this latter, Aḥmad, he went to the *zawiya* of Tamgrūt, founded by Abū Ḥafṣ, ‘Umar b. Aḥmad al-Anšārī, in Ramaḍān 983/Dec.-Jan. 1575-76, and settled there until his death on Friday 12 Djumādā II 1045/23 Nov. 1635. He was buried in the place since called *rawḍat al-ashyākh*, on the Sidjilmāsa road. His fame had attracted many disciples, whom he initiated into the *dhiḳr shādhili* and who acquired some fame, such as the aforementioned Aḥmad b. Ibrāhīm and the two brothers Muḥammad and Husayn Ibn Nāṣir al-Dar‘ī. The teaching of the *ṣarīka*, which he had received from Abū ‘l-‘Abbās Aḥmad b. ‘Alī al-Ḥādīdjī al-Dar‘ī, derived from Abū ‘l-‘Abbās Aḥmad Zarrūq, whose teaching was transmitted by Abū ‘l-Kāsim al-Ghāzī, ‘Alī b. ‘Abd Allāh al-Sidjilmāsi and ‘Alī b. Yūsuf al-Rāshidi.

Bibliography: E. Lévi-Provençal, *Chorfa*, 315 and n. 4; Ifrānī, *Ṣafra*, 70; Kādīrī, *Nashr*, i, 169; idem, *Ilīkāt*, fol. 14v; idem, *al-Nashr al-kabīr*, i, fol. 81v; Nāṣirī, *Tal‘at al-mushtari*, i, 128-36 and *passim*; Makki Nāṣirī, *Durar* (after al-Ḥaṣhtūki, *Inārat al-baṣā‘ir* and *Tal‘at al-dā‘a*); Husayn Ibn Nāṣir al-Dar‘ī, *Fahrāsa*; Yūsī, *Muḥāḍarāt*, in *fine*. (M. LAKHDAR)

—KABBĀN [see MIZĀN].

AL-KABD (A.), verbal noun meaning “seizure”, “grasping”, “contraction”, “abstention”, etc., and used in the special vocabulary of various disciplines.

—In *fiḳh* the word signifies taking possession of, handing over. In Mālikī law *hiyāza* is more frequently used. *Tasallum* is also employed to mean the act of handing over. Taking possession is accomplished by the material transfer of the thing when movable goods are involved; by occupation when it is a question of real estate, but also symbolically by the handing over of the keys or title deeds of the property. *Kabd* only has a subsidiary role to play in the sale, since *fiḳh*, from the very beginning and in all its versions, recognized that the ownership of the thing which has been sold, when a definite object is involved, is transferred immediately by the agreement of the parties, before any formal transfer.

The part played by the *kabd* in the matter of gifts (*hiba*), loan (*kaḍ*), commodate (*‘ariyya*) and security (*rahn*), is a subject of dispute amongst the legal schools. The Mālikīs excepted, most authors teach that the agreement of the parties on which these contracts are founded does not carry with it any legal obligation on the part of the one who gave the undertaking, nor any absolute right on the part of the beneficiary. The former cannot be forced to hand over the thing he has promised, nor can the latter demand its transfer, *kabd*. These contracts are “efficacious”, therefore, only on the basis of the *kabd*, freely agreed. The formula of the classical authors, according to which *kabd* is useful for the completion (*tamām*, *tuzūm*) of these contracts, is

176 EKİM 1960

Kab3-

قبض:

١ - تعريف: القبض هو وضع اليد المُمكّن من التصرف بالمقبوض.

٢ - القابض والمقبض:

أ - شروطهما: لكي يكون القبض صحيحاً فإنه يشترط في كل من القابض والمقبض العقل والاختيار - أي: عدم الإكراه - وعدم الحجر الكامل، أما البلوغ: فهو شرط في كل مقبض في تصرف من التصرفات الضارة ضرراً محضاً بالصغير كتبرع الصغير بماله، أو الدائرة بين النفع والضرر وهي عقود المعاوضة، أما التصرفات النافعة للصغير نفعاً محضاً كقبضه الصدقة ممن تصدّق عليه، وقبوله الهدية ممن أهدى له، فإنه لا يشترط فيها البلوغ، كما لا يشترط البلوغ في قبض الأشياء التافهة، فيجوز قبض الصغير قطعة الحلوى ويجوز تقييدها له.

16 MAYIS 2002

MAUDE PAVIMENTANTAN
SONRA BECER EN NIDOLAN

هـ - رد الشيء إلى مكانه: إذا رد المستعير الشيء المستعار، أو الأمين الشيء المودع لديه إلى مكانه الذي يحفظه فيه المعير أو المودع، فإن الرد إلى هذا المكان لا يعتبر قبضاً، ولا يبرأ المستعير والأمين بهذا الرد.

٤ - الإذن بالقبض: ما يراد قبضه مما هو في يد الغير له حالتان:

أ - أن يكون من حق من هو في يده حبسه، كالمرهون بيد المرتهن قبل وفاء الدين، والمبيع في يد البائع قبل سداد الثمن، والمعار بيد المستعير إن كان يتضرر المستعير بنزعه من يده، وفي هذه الحالة لا يجوز القبض إلا بإذن من هو في يده.

ب - أن لا يكون من حق من هو في يده حبسه، كالشيء المستحق، والمغصوب بيد الغاصب، والمبيع بيد البائع بعد سداد الثمن، والمستأجر بيد المستأجر بعد انتهاء مدة الإجارة، والدين الحال بيد المماطل به، ونحو ذلك، وفي هذه الحالة يجوز القبض من غير إذن من هو في يده.

٥ - الشيء المقبوض: يشترط في الشيء المقبوض حتى يصح قبضه ما يلي:

أ - أن لا يكون قد تعلّق به حق الغير، فإن كان قد تعلّق به حق الغير فلا يجوز قبضه، وعلى هذا فإن من أعار شخصاً شيئاً وأذن له برهنه، فرهنه، فليس له استرداده حتى يفي الراهن ما عليه من الدين، وذلك لتعلّق حق المرتهن به.

ب - أن لا يتصل به ملك الغير اتصالاً يتعذر فصله عنه، فمن خاط ثوبه بخيوط مغصوبة، فليس لصاحب الخيوط أخذ الثوب مع الخيوط، لتعذر فصلها عنه، ولكن يضمن صاحب الثوب لصاحب الخيوط قيمة خيوطه؛ ولا يُقبض الشجر المستحقّ دون الأرض المزروع فيها، لتعذر فصله عنها.

ج - أن لا يكون مشاعاً: لأن المشاع لا يتصور قبض الحصة الشائعة فيه.

د - قبض الشيء التافه: قلنا فيما تقدم: يشترط في القابض أن يكون بالغاً، ويستثنى من شرط البلوغ إذا كان المقبوض شيئاً تافهاً، فيجوز للصغير قبضه، كقبضه قطعة الحلوى، وقبضه اللعبة التافهة الثمن، ونحو ذلك.

٦ - ما يشترط فيه القبض:

أ - ما يشترط القبض للزومه: يشترط القبض للزوم العقود التالية:

(١) عقود التبرعات كلها إلا الصدقة، فلا يشترط القبض للزومها، فيشترط القبض

محتوى العدد السادس الجزء الأول

الموضوع	الصفحة
● تقديم: بقلم معالي الدكتور حامد الغابدي، الأمين العام لمنظمة المؤتمر الإسلامي	٩
كلمة معالي الدكتور بكر بن عبد الله أبو زيد، رئيس مجمع الفقه الإسلامي	١٥
كلمة معالي الدكتور محمد الحبيب ابن الخوجة، الأمين العام لمجمع الفقه الإسلامي	١٩
● القسم الأول:	
١ - الجلسة الافتتاحية	٢٧
كلمة صاحب السمو الملكي الأمير ماجد بن عبد العزيز، أمير منطقة مكة المكرمة	٢٩
كلمة معالي الأستاذ خالد أحمد الجسار، وزير الأوقاف والشؤون الإسلامية لدولة الكويت	٣٣
كلمة معالي الدكتور حامد الغابدي، الأمين العام لمنظمة المؤتمر الإسلامي	٣٩
كلمة فضيلة الدكتور بكر بن عبد الله أبو زيد، رئيس مجلس المجمع	٤٥

(ب) إذا عقد العميل عقد صرف ناجز بينه وبين المصرف في حال شراء عملة بعملة أخرى لحساب العميل.

(ج) إذا اقتطع المصرف - بأمر العميل - مبلغاً من حساب له إلى حساب آخر بعملة أخرى، في المصرف نفسه أو غيره، لصالح العميل أو لمستفيد آخر، وعلى المصارف مراعاة قواعد عقد الصرف في الشريعة الإسلامية.

ويغتفر تأخير القيد المصرفي بالصورة التي يتمكن المستفيد بها من التسلم الفعلي، للمدد المتعارف عليها في أسواق التعامل. على أنه لا يجوز للمستفيد أن يتصرف في العملة خلال المدة المغتفرة إلا بعد أن يحصل أثر القيد المصرفي بإمكان التسلم الفعلي.

٢ - تسلم الشيك إذا كان له رصيد قابل للسحب بالعملة المكتوب بها عند استيفائه وحجزه المصرف.

**

03 OCAK 1995

الفهرس العام
محتوى القرد السادس بأجزائه الثلاثة

الموضوع الصفحة

فهرس الجزء الأول

- تقديم: بقلم معالي الدكتور حامد الغابد،
الأمين العام لمنظمة المؤتمر الإسلامي ٩
- كلمة معالي الدكتور بكر بن عبد الله أبو زيد،
رئيس مجمع الفقه الإسلامي ١٥
- كلمة معالي الدكتور محمد الحبيب ابن الخوجة،
الأمين العام لمجمع الفقه الإسلامي ١٩
- القسم الأول:
١ - الجلسة الافتتاحية ٢٧
كلمة صاحب السمو الملكي الأمير ماجد بن عبد العزيز،
أمير منطقة مكة المكرمة ٢٩
- كلمة معالي الأستاذ خالد أحمد الجسار،
وزير الأوقاف والشؤون الإسلامية لدولة الكويت ٣٣
- كلمة معالي الدكتور حامد الغابد،
الأمين العام لمنظمة المؤتمر الإسلامي ٣٩
- كلمة فضيلة الدكتور بكر بن عبد الله أبو زيد،
رئيس مجلس المجمع ٤٥
- كلمة معالي الدكتور محمد الحبيب ابن الخوجة،
الأمين العام لمجمع الفقه الإسلامي ٥١

- ٢٥ - فضيلة الدكتور إبراهيم كافي دوغز
أستاذ الفقه الإسلامي
بجامعة مرامارا استنبول
- ٢٦ - فضيلة الشيخ الطيب سلامة
- ٢٧ - فضيلة الشيخ كمال الدين جميع
- ٢٨ - فضيلة الشيخ جمال الدين سيروان
- ٢٩ - فضيلة الشيخ أحمد بن سعود السيابي
- ٣٠ - فضيلة الشيخ بزيع الياسين
- ٣١ - فضيلة الشيخ محمد سيد طنطاوي
- ٣٢ - فضيلة الدكتور بشار عواد معروف
- ٣٣ - فضيلة الدكتور معروف الدواليبي
- ٣٤ - فضيلة الشيخ مهدي بن أبي الحسن الروحاني مدرس العلوم الإسلامية ببيران
- ٣٥ - فضيلة الشيخ سيد عباس عراقجي
- ٣٦ - فضيلة الشيخ محمد المؤمن
- ٣٧ - فضيلة الشيخ عبد الله محفوظ بن بيه
- ٣٨ - فضيلة الدكتور درويش صديق جستنيه
- ٣٩ - سعادة الدكتور عبد اللطيف جناحي
- ٤٠ - سعادة الأستاذ حسين بن سالم الدهماني
- ٤١ - فضيلة الدكتور إبراهيم زيد الكيلاني
- ٤٢ - سعادة الدكتور محمد علي القرني بن عيد
- ٤٣ - فضيلة الدكتور أحمد محمد جمال
- ٤٤ - فضيلة الشيخ عبد الله سليمان بن منيع
- ٤٥ - سعادة الدكتور أنس الزرقاء
- ٤٦ - سعادة الدكتور رفيق يونس المصري
- ٤٧ - سعادة الدكتور حسن عبد الله الأمين
- ٤٨ - سعادة الدكتور رضا سعد الله
- ٤٩ - سعادة الدكتور منذر قحف
- ٥٠ - سعادة الدكتور محمد علي البار
- مدير العام للشؤون الإسلامية بوزارة العدل بسلطنة عمان
- رئيس مجلس إدارة بيت التمويل الكويتي
مفتي مصر
- رئيس جامعة صدام للعلوم الإسلامية
- المستشار بالديوان الملكي السعودي
- خبير في وزارة الخارجية الإيرانية
- من أعضاء جامعة المدرسين بقم ببيران
- الأستاذ بجامعة الملك عبد العزيز بجدة
- أستاذ الاقتصاد بمركز أبحاث الاقتصاد الإسلامي
- مدير عام بنك البحرين الإسلامي
- باحث إسلامي متفرغ
- رئيس جامعة الأردن
- الأستاذ بمركز أبحاث الاقتصاد الإسلامي
- أستاذ مشارك بجامعة أم القرى
- القاضي بمحكمة التمييز بالمنطقة الغربية
- الأستاذ بمركز أبحاث الاقتصاد الإسلامي
- الأستاذ بمركز أبحاث الاقتصاد الإسلامي
- بالبنك الإسلامي للتنمية
- مركز البحوث والتدريب بالبنك الإسلامي للتنمية
- مركز البحوث والتدريب بالبنك الإسلامي للتنمية
- مستشار الطب الإسلامي
- بمركز الملك فهد للبحوث الطبية